

بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی و لری (ساختار فعل ماضی)*

محمدطاهر حبیبی^۱

چکیده

بر اساس مطالعات زبانشناسی، زبان‌های ایرانی نواز تنوع بسیاری برخوردار بوده که همین امر سبب شده تا حدود و مرزهای زبان‌های مختلف و گویش‌های متنوع ایرانی به راحتی قابل تفکیک نباشد. گردآوری و بررسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فواید بسیاری دارد که از جمله مهمترین آن‌ها، آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگانی در طول زمان و مناطق مختلف و طبقه بندی دقیق تر زبان‌ها و گویش‌ها و شناخت روابط میان آن‌ها می‌باشد. از آنجایی موضوع این پژوهش زبان لری (خرم‌آبادی) بوده و در خصوص اینکه آیا لری زبان مستقلی است یا گویشی از زبان فارسی، نظرات مختلفی مطرح گردیده است در پژوهش حاضر تلاش شده است برای دستیابی به وجوه افتراق و مشابهت‌های زبان فارسی و لری، ضمن اشاره‌ای گذرا و مجمل به تاریخ زبان‌های ایرانی و ارتباط زبان لری با دوره‌های مختلف تاریخی و زبانی، به بررسی تطبیقی دستوری این دو زبان از لحاظ ساختار فعل پرداخته شود. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و پیشینه تحقیق توسعه‌ای ترویجی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها نیز اسنادی - کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها کیفی است.

زبان‌های ایرانی جدید به دو دسته زبان‌های ایرانی جدید شرقی و غربی تقسیم می‌گردند که زبان لری جزء دسته دوم یعنی زبان‌های ایرانی جدید غربی می‌باشد. با بررسی‌های به عمل آمده و یافته‌های این پژوهش، در میان زبان‌های ایرانی جدید شاخه غربی، زبان لری بیشترین قرابت را از لحاظ دایره واژگان و دستور زبان (ساختار فعل) با زبان فارسی دارد.

کلید واژه‌ها: تطبیق دستور زبان فارسی و لری، ساختار فعل در زبان لری

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی آقای دکتر علی اصغر بوند شهریاری و مشاوره آقای دکتر علی محمد پشت‌دار می‌باشد.

mthabibi85@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۶

مقدمه

بر اساس مطالعات زبانشناسی، زبان‌های ایرانی نو از تنوع بسیاری برخوردار بوده که همین امر سبب شده تا حدود و مرزهای زبان‌های مختلف و گویش‌های متنوع ایرانی به راحتی قابل تفکیک نباشد از آنجایی موضوع این پژوهش زبان لری بوده و در خصوص اینکه آیا لری زبان جداگانه‌ای است یا گویشی از زبان فارسی، نظرات مختلفی مطرح گردیده است بر همین اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است برای دستیابی به وجوه افتراق و مشابهت‌های زبان فارسی و لری و بیان تبعیت آن دو از دستور و قواعدی واحد یا دوگانه، ضمن بیان تاریخ زبان‌های ایرانی و ارتباط زبان لری با دوره‌های مختلف تاریخی و زبانی، به بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی و لری از لحاظ ساختار فعل پرداخته شود.

پیشینه هر زبان می‌تواند نشان دهنده تاریخ، فرهنگ، تمدن و... یک ملت باشد. «گردآوری و بررسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فواید بسیاری دارد که از جمله مهمترین آن‌ها آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگانی در طول زمان و مناطق مختلف و طبقه‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌ها و شناخت روابط میان آن‌ها می‌باشد» (فتحی آذر، ۱۳۸۰، ۲). یکی از مشخصه‌های هر زبان در تقابل و تمایز با زبان‌های دیگر شناخت دستور آن زبان می‌باشد. همانگونه قبلاً گفته شد زبان لری یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی نو است که شباهت زیادی با زبان فارسی دارد و شناخت این مهم که زبان لری یک زبان مستقل بوده یا گویشی از زبان فارسی، مسئله‌ای است که بیانگر اصالت یا وابستگی یک زبان و یا گویش است. در حوزه دستور زبان فارسی کتب بسیاری تألیف گردیده که به تفصیل در این باره به بحث پرداخته‌اند. در حوزه زبان لری نیز کتابی با موضوع دستور زبان لری (علی ایتوندی) تألیف گردیده که به دلیل تعدد گویش‌های لری، با گویش لری موضوع این پژوهش (لری خرم‌آبادی) اندک اختلافاتی دارد. از آنجایی که زبان فارسی و لری به لحاظ واژگان و دستور زبان شباهت زیادی به هم دارند تا کنون پژوهش‌های جامعی که بیانگر تأثیرپذیری این دو زبان از یکدیگر باشد صورت نگرفته است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و پیشینه آن توسعه‌ای - ترویجی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها نیز اسنادی - کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌ها کیفی است. جامعه آماری این پژوهش کتاب دستور زبان فارسی (خانلری) و دستور

بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی و لری (ساختار فعلی ماضی) ۱۸۷۱۱۱

زبان لری (علی ایوندی)، حجم نمونه، بخش ساختار فعل و روش نمونه گیری، فیش برداری و بررسی تطبیقی است.

معرفی مختصر قوم لر و زبان لری

منطقه لرستان تقریباً در جنوب غربی ایران امروزی واقع است. از غرب به کشور عراق از جنوب به خوزستان، از شمال به هرسین و نهاوند و از شرق به رود سزار sezar یا دز که مرز میان بختیاری و لرستان است، محدود است.

«این سرزمین در عهد مغول تحت عنوان لر بزرگ و کوچک شناخته می شد: اما از عصر صفویه به بعد منطقه لر بزرگ بختیاری و کهگیلویه موسوم گردید، منطقه لر کوچک را نیز از قرن شانزدهم میلادی لرستان فیلی خواندند. لرستان فیلی به دو منطقه پشتکوه و پیشکوه تقسیم شده و حد میان دو منطقه کور «Kavar» کوه یا «کبیر کوه» است. امروزه لرستان در اصطلاح فقط شامل پیشکوه است و پشتکوه را سرزمین فیلی ها می نامند. لرها تیره ای ایرانی هستند که در جنوب غربی ایران به سر می برند و به چهار شعبه لرهای خاص که لرستان فعلی و پشتکوه (ایلام) و دیگران که شامل ممسنی، کهگیلویه و بختیاری تقسیم می شوند» (ایزدپناه، ۱۳۶۷: ۷). «وجه مشترک گروه های لر، زبان آنهاست. صفت ویژه لری بیانگر آن است که این منطقه اصولاً تحت تاثیر ایرانیان پارسی زبان قرار گرفته است نه مادها» (امان اللهی، ۱۳۷۰: ۱۳-۷).

بنابر گواهی تاریخی در هزاره نخست پیش از میلاد مسیح، زمانی که بخش اعظم فلات ایران به تسلط آریایی ها در آمد اقوام متعددی در ایران زندگی می کردند. از این اقوام اطلاعات ناقصی در دست است.

زبان لری جزء آن دسته از زبان هایی نمی باشد که سابقه آن به قبل از ورود آریایی ها به ایران (هزاره قبل از میلاد) برگردد.

با ورود آریایی ها به نواحی مختلف ایران، زبان فرضی ایرانی باستان به زبان های متعددی تحول یافته است که بر اساس اسناد موجود از وجود چهار زبان از این زبان ها آگاهیم: زبان سکایی باستان که از آن نوشته ای برجای نمانده است شاید به این دلیل که احتمالاً این زبان از نظام نوشتاری برخوردار نبوده است. زبان مادی که احتمالاً زبان رسمی ایران در زمان حکومت مادها بوده است از این زبان نیز نوشته ای در دست نیست. زبان اوستایی که زبان کتاب مقدس

زردشتیان یعنی اوستاست. این زبان نیز بر حسب قراین زبانشناختی باید در یکی از نواحی شرقی ایران به کار رفته باشد اما ناحیه دقیق آن مشخص نیست. فارسی باستان زبان پارس‌ها بوده که در دوره باستان در منطقه پارس سکونت داشته‌اند. برابر بررسی‌های صورت گرفته گونه زبانی لری کنونی واژگان زیادی را با این زبان به صورت مشترک دارد.

جدول ۳-۱: نمونه واژگان فارسی باستان و مقایسه آن با فارسی جدید و لری

فارسی باستانی	فارسی جدید	لری
Aspa	اسب asb	اسب asb
Kāma	کام kām	کام kam
Drayah	دریا daryā	دریا daryā
Dasta	دست dast	دس das
Bāji	باج bāj	باج baj
Brātar	برادر barādar	برار berār
Māha	ماه māh	ماه māh
Vāhara	بهار bahār	وهار vehār
Stūnā	ستون sotūn	سوتین sotin
Šiyāta	شاد šād	شاد Šad
Drauga	درو dorōgh	درو derō

کوروش کبیر در سال ۵۵۰ پیش از میلاد با غلبه بر عیلامیان و تصرف بر مادها، حکومت پارس‌ها را تأسیس می‌کند و به تصرفات خود ادامه می‌دهد که گسترش زبان فارسی باستان نیز از این قائده مستثنی نیست. با توجه به شباهت‌های موجود، به نظر می‌رسد زبان فارسی باستان از این زمان به انتشار خود ادامه داده و از همین جاست که می‌توان گفت زبان عیلامی با زبان پارس‌ها تلفیق شده و به دلیل رسمیت یافتن زبان فارسی باستان جای خود را به آن داده است. بنابراین به دلیل شباهت واژگان زبان لری با فارسی باستان می‌توان مبدأ زبان لری را از همین زمان (زبان فارسی باستان) دانست.

زبان لری در دوره میانه

در این دوره حکومت‌های سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان و حکومت اسلامی روی کار آمدند و هر کدام به نوبه خود تأثیراتی بر روی زبان‌های ایرانی گذاشتند. با توجه به ساختار دستوری و نظام آوایی زبان‌هایی که از این دوره به شکلی مستند مانده‌اند زبان‌های ایرانی دوره میانه را می‌توان به دو گروه زبان‌های ایرانی میانه شرقی و زبان‌های ایرانی میانه غربی تقسیم نمود. براساس اسناد موجود زبان‌های ایرانی میانه غربی شامل فارسی میانه و پارتی میانه بوده که پارتی میانه (پهلوی اشکانی) زبان ساکنان شمال شرقی ایران بوده است و بسیاری از واژه‌های آن با زبان فارسی میانه مشترک است. فارسی میانه نیز صورت تحول یافته زبان فارسی باستان است و فارسی جدید نیز دنباله زبان فارسی میانه است. آغاز این دوره با پایان امپراتوری هخامنشی همراه است. لازم به ذکر است در این برهه زمانی (قرن چهارم پیش از میلاد تا قرن سوم میلادی) تحول فارسی باستان به زبان فارسی میانه غیرمستند بوده و حدود شش قرن از تحول آن برای زبان شناسان معلوم نیست

جدول ۳-۲: نمونه واژگان فارسی میانه و مقایسه آن با فارسی جدید و لری

فارسی میانه	فارسی جدید	لری
Asp	اسب asb	اسب asb
Kām	کام kām	کام kam
Drayā	دریا daryā	دریا daryā
Dast	دست dast	دس das
Bāj	باج bāj	باج baj
Brādar	برادر barādar	برار berār
Māh	ماه māh	ماه māh
Bahār	بهار bahār	وهار vehār
Stun	ستون sotūn	سوتین sotin
Šād	شاد šād	شاد šad
Drōgh	دروغ dorōgh	درو derō

زبان لری در دوره جدید

از زمانی که یعقوب لیث صفار حکومت صفاریان را در سال ۲۵۴ ه.ق (۸۶۷م) تأسیس نموده و زبان فارسی دری را زبان رسمی دولت خود اعلام نمود دوره جدید زبان‌های ایرانی آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. این دوره پس از تسلط کامل اعراب بر ایران بوده که مدت بیش از ۲۰۰ سال زبان رسمی ایران عربی بود.

از آنجایی که گویش لری نیز ادامه تحول همین زبان هاست و با اینکه یکی از نزدیک‌ترین زبان‌ها به فارسی دوره جدید یعنی فارسی کنونی است باز هم به‌طور قطع و یقین نمی‌توان آن را دنباله‌ی کدام یک از شاخه‌های زبان‌های یاد شده دانست.

بررسی‌های تطبیقی زبانی نشان می‌دهد که گویش لری کمترین شباهت را به لحاظ ساختار دستور زبان و دایره واژگان با زبان‌های ایرانی جدید غربی (لکی، کردی و...) داشته و بیشترین شباهت آن با فارسی جدید است. با توجه به حرکت طبیعی رشد اجتماع بشری از خانواده به ایل و طایفه و قوم، به نظر می‌رسد زبان رسمی نیز که تابعی از زبان اقوام ساکن در یک قلمروست، بعد از شکل‌گیری لهجه‌ها و گویش‌ها رسمیت یافته، یعنی ابتدا اقوام با لهجه‌های متفاوت متولد شده‌اند، سپس زبان رسمی در میان اقوام ساکن در یک سرزمین به پیروی از نظام حکومتی تشخیص یافته است.

بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی و لری (ساختار فعل)

مصدر

«مصدر کلمه‌ای است که مفهوم اصلی فعل را بی آنکه زمان و شخص آن مشخص باشد می‌رساند» (گیوی، انوری ۱۳۷۴: ۱۵).

در زبان فارسی مصدر از بن ماضی فعل و پسوند ـَن ساخته می‌شود. مانند خوردن که از خورد (بن ماضی) به اضافه ـَی پسوند ـَن ساخته شده است. مصدر چون زمان و شخص ندارد فعل به شمار نمی‌آید بلکه یکی از اقسام اسم است.

در زبان لری نیز مصدر با اندک تغییری به همان طریق فارسی ساخته می‌شود.

طریقه ساخت مصدر در زبان لری: بن ماضی فعل به اضافه ـَن ساخته می‌شود:

مانند: راتَن (raten) = رت ـَن = (رفتن)

هَرَدِن (harden) = هرد ـَن = (خوردن)

اجزای پیشین

بسیاری از فعل‌های لری علاوه بر شناسه اجزای دیگری نیز دارند. این اجزا را که عبارت از "ب، م، می، ن" هستند چون در آغاز فعل می‌آیند اجزای پیشین می‌گویند.

حروفی که در زبان لری اجزای پیشین خوانده می‌شوند همان اجزای پیشین زبان فارسی هستند با این توضیح که در حرکات (مصوت‌های کوتاه و بلند) دارای اختلافاتی می‌باشند. اجزای پیشین در زبان فارسی می، ب، ن و در قدیم م و همی بوده که در زبان لری همی به کار نمی‌رود.

اجزاء پیشین در فعل‌های لری

جزء پیشین «ب» بر سر فعل امر و مضارع التزامی می‌آید (توضیح این که در زبان لری فقط بعضی از افعال به شکل مضارع التزامی درمی‌آیند، یعنی هنگام تلفظ با همان شکل مضارع ساده اما با معنای مضارع التزامی می‌آیند. البته جزء پیشینِ ب را می‌توان جزء فعل نیز محسوب نمود.

مثال: فعل خواندن: بُهو که از ب + هِن boho

مُ و می: معنی استمرار و ادامه یا تکرار به فعل می‌دهد. مثال:

مُهورم mohorem می‌خورم

مِیرم merrem می‌روم

که در زبان فارسی معنی استمرار فقط با جزء پیشین "می" نشان داده می‌شود و در گذشته نیز "همی" این مفهوم را در بر داشته است.

ن: فعل امر را به نهی تبدیل می‌کند. رو - نَرو

در زبان فارسی علاوه بر "ن" جزء پیشینِ "م" نیز وجود داشته که بیشتر در زمان قدیم کاربرد داشته است.

ساختمان فعل در زبان لری

۱- ساده: فعلی که مصدر آن بیش از یک کلمه نباشد

مثل گِرَتِن gereten (گرفتن)

رَتِن raten (رفتن)

۲- پیشوندی: یک پیشوند + یک فعل ساده

در او مائِن der omaen (در آمدن)

ور گشتن ver gašten (برگشتن)

۱۹۲ // دو فصلنامه مطالعات ادبی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۳- پیشوندی مرکب: ترکیب اسم با فعل پیشوندی

سر در آورودن sar der awerden (سر در آوردن)

۴- مرکب: یک صفت یا اسم + فعل ساده (در مجموع یک معنی را برساند)

ز می هردن zemi harden (زمین خوردن)

۵- عبارت های فعلی:

به دسته ای از کلمه ها گفته می شود که از مجموع آن ها یک معنی به دست می آید و اغلب با یک فعل ساده یا فعل مرکب هم معنی می شود. عبارت های فعلی بیش از دو کلمه اند و معمولاً یکی از آن کلمه ها حرف اضافه است.

مانند: دِ پا درِ او مائِن de pa der omaen (از پا در آمدن)

و کار گِرتِن ve kar gereten (به کار گرفتن)

دِ چش اُفتائِن de čaš oftaen (از چشم افتادن)

۶- فعل های لازم یک شخصه:

فعل لازم یک شخصه فعلی است که نمی تواند مفعول داشته باشد و فقط به صورت سوم شخص به کار می رود و به جای شناسه، ضمیر متصل (-م، -ت، -ش، -م، -ت، ش) شخص فعل را نشان می دهد.

خوش اُمائِن (خوش آمدن) به صورت زیر صرف می شود.

خوشِ مِ اُما (خوشم آمد)، خوشِ تِ اُما (خوشت آمد)، خوشِ شِ اُما (خوشش آمد)، خوشِ مِ اُما

(خوشمان آمد)، خوشِ تِ اُما (خوشتان آمد)، خوشِ شِ اُما (خوششان آمد).

فعل های لازم یک شخصه اغلب با فعل های ساده اُمائِن (آمدن)، بیین (بودن)، بیین (شده)،

گِرتِن (گرفتن)، بُردِن (بردن)، زئِن (زدن) و مشتقات آن ها ساخته می شوند. مانند خوش اُمائِن

(خوش آمدن)، سرد بیین (سرد شدن)

مشتقات فعل: دو دسته اند

الف: فعل ها: مثل هردِم (خوردم)، می هردِم (می خوردم)

ب: کلمه های غیر از فعل که با بن فعل ساخته می شوند خوراک، خورش و ...

فعل

«فعل کلمه ای است که بر انجام کاری یا روی دادن امری یا داشتن حالتی در زمان گذشته،

اکنون یا آینده دلالت می‌کند» (ناتل خانلری ۱۳۹۲: ۱۷).

زمان و شخص

فعل از نظر زمان دارای سه حالت گذشته، حال و آینده است.

اکنون یا حال وقتی است که جمله را ادا می‌کنیم. گذشته یا ماضی مرحله‌ای است که پیش از ادا جمله بوده است، آینده یا مستقبل زمان بعد از گفتار است.

فعل علاوه بر زمان همیشه بر یکی از سه شخص «گوینده» «شنونده» و «دیگر کس» نیز دلالت می‌کند.

در فعل آمدم هم مفهوم انجام دادن کاری هست که آمدن باشد، هم مفهوم زمان که در اینجا گذشته است هم مفهوم کسی که این کار را انجام داده است. «اول شخص مفرد»

در فعل می‌روی هم همین سه مفهوم وجود دارد یکی مفهوم انجام دادن کار که رفتن است دیگر مفهوم زمان که در این جا «حال» است. سوم مفهوم کسی که کار رفتن را انجام می‌دهد و او کسی است که گوینده با او سخن می‌گوید. «دوم شخص مفرد»

در فعل خواهد گفت هم سه مفهوم «گفتن» و «زمان آینده» و کسی که از او گفتگو می‌شود «سوم شخص مفرد» (یعنی نه گوینده است و نه شنونده) وجود دارد.

هر فعل سه مفهوم کار یا حالت و زمان و شخص را در بر دارد.

کسی که سخن می‌گوید - در اصطلاح دستور زبان اول شخص خوانده می‌شود.

کسی که با او سخن می‌گویند - در اصطلاح دستور زبان - دوم شخص خوانده می‌شود.

کسی که از او سخن می‌گویند - در اصطلاح دستور زبان - سوم شخص خوانده می‌شود.

ساختار فعل در زبان لری از لحاظ شخص و زمان با معادل آن در زبان فارسی تفاوتی ندارد. همانگونه که قبلاً گفته شد فعل از نظر زمان دارای سه حالت است گذشته، حال و آینده.

علاوه بر این بر یکی از سه شخص «گوینده» «شنونده» و «دیگر کس» دلالت می‌کند.

در فعل رَتَمَ (ratem) (رفتم) هم مفهوم انجام دادن کاری است که رفتن یا همان «رفتن» باشد

هم مفهوم زمان که در اینجا گذشته است و هم مفهوم کسی که این کار را انجام داده باشد (گوینده یا اول شخص).

در فعل مِئری (meri) (می‌روی) هم همین سه مفهوم وجود دارد یکی انجام دادن کار که

رفتن است دیگری مفهوم زمان که در اینجا حال است و سوم مفهوم، کسی که کار را انجام می‌دهد و او کسی است که گوینده با او سخن می‌گوید (دوم شخص).

در فعل مِثْها بیا meha bea هم سه مفهوم انجام کار، زمان (آینده) و شخص (سوم شخص) وجود دارد. با این توضیح که در زبان فارسی، اجزای فعل آینده به صورت زیر می‌آید:

فعل آینده: مضارع ساده فعل معین خواستن (خواهم، خواهی، ...) + سوم شخص مفرد ماضی ساده فعل اصلی مانند: خواهم آمد، خواهی آمد، ...

ولی در لری ساختار فعل مستقبل متفاوت می‌باشد

سوم شخص مفرد مضارع اخباری فعل معین خواستن + مضارع التزامی فعل اصلی

مانند: مِثْها بِنام، مِثْها بِنای، مِثْها بِناء، مِثْها بِنائِم، مِثْها بِنائِت، مِثْها بِنان.

بنا به مطالبی که توضیح آن آمد واضح است که فعل در زبان لری از لحاظ زمان و شخص

با فعل در زبان فارسی مطابقت دارد.

فعل (مفرد و جمع)

فعل بیان کاری یا حالتی است در یکی از زمان‌های سه گانه که به یکی از سه شخص نسبت داده می‌شود.

«آدم» نسبت آمدن در زمان گذشته به گوینده و یا اول شخص است.

«می‌روی» نسبت رفتن است در زمان حال به شنونده یا دوم شخص.

«گفت» نسبت گفتن است در زمان گذشته به دیگر کس یا سوم شخص.

هر یک از این سه شخص ممکن است یکی باشند یا بیش از یکی.

گفتم نسبت گفتن است به اول شخص که یکی بیش نیست. رفتیم نسبت رفتن است به اول

شخص که بیش از یکی باشد یعنی چند تن.

فعلی که به یک تن نسبت داده شود، مفرد خوانده می‌شود. فعلی را که به بیش از یک تن

نسبت بدهیم، جمع می‌خوانیم.

هر یک از اشخاص (اول شخص، دوم شخص و سوم شخص) ممکن است یکی باشد یا

بیشتر. یکی را مفرد و بیش از یکی را جمع می‌خوانیم. پس هر فعلی در هر زمان از جهت نسبت

به شخص، شش صورت پیدا می‌کند.

اول شخص مفرد	اول شخص جمع
دوم شخص مفرد	دوم شخص جمع
سوم شخص مفرد	سوم شخص جمع

برای مثال فعل «رفتن» را در زمان گذشته در نظر می‌گیریم. شش صورت آن چنین است:

آمدیم (اول شخص جمع)	آمد (اول شخص مفرد)
آمدید (دوم شخص جمع)	آمدی (دوم شخص مفرد)
آمدند (سوم شخص جمع)	آمد (سوم شخص مفرد)

مطالب ذکر شده در خصوص زبان لری نیز صدق می‌نماید که توضیح آن به صورت زیر می‌باشد.

برای مثال فعل «رَتِن» raten «رفتن» را در زمان‌های مختلف در نظر می‌گیریم.
گذشته:

رَتِم (اول شخص مفرد)	رَتِم (اول شخص جمع)	«ratim»
رَتِی (دوم شخص مفرد)	رَتِیت (دوم شخص جمع)	«ratet»
رَت (سوم شخص مفرد)	رَتِن (سوم شخص جمع)	«raten»

اکنون (حال)

مِثْرَم (اول شخص مفرد)	مِثْرِم (اول شخص جمع)	«merem»
مِثْرِی (دوم شخص مفرد)	مِثْرِیت (دوم شخص جمع)	«meret»
مِثْرَه (سوم شخص مفرد)	مِثْرَن (سوم شخص جمع)	«meran»

آینده (مستقبل)

مِثْهَ روم (اول شخص مفرد)	مِثْهَ روم (اول شخص جمع)	«meha roem»
مِثْهَ روی (دوم شخص مفرد)	مِثْهَ روَه (سوم شخص مفرد)	«meha roei»
مِثْهَ روئت (دوم شخص جمع)	مِثْهَ روَن (سوم شخص جمع)	«meha roan»

در زبان فارسی، اجزای فعل آینده به صورت زیر می‌آید:

مضارع ساده فعل معین خواستن (خواهم، خواهی، ...) + سوم شخص مفرد ماضی ساده فعل اصلی مانند: خواهم آمد، خواهی آمد، ...

ولی در لری ساختار فعل مستقبل متفاوت می‌باشد

سوم شخص مفرد مضارع اخباری فعل معین خواستن + مضارع التزامی فعل اصلی

مانند: مانند: مِثْهَا بِنْام، مِثْهَا بِنْای، مِثْهَا بِنْا، مِثْهَا بِنْائِم، مِثْهَا بِنْائِت، مِثْهَا بِنْان

در ساختار فعل‌های آینده در فارسی صورت فعل اصلی رفتن (رفت) همیشه ثابت است

ولی در لری شناسه با فعل اصلی می‌آید؛ مانند مثال بالا. ضمن اینکه در مثالی که ذکر شد

شناسه را نیز می‌توان همراه فعل معین نیز (مِثْهَام، مِثْهَای، مِثْهَا و...) به کار برد.

مانند: مِثْهَا رُوم. meha roem یا مِثْهَام روم meham roem

که در هر دو جزء شناسه‌ها با هم مطابقت دارند.

فعل: صیغه یا ساخت

هر فعلی برای آن که بر زمان‌های مختلف و شخص‌های مختلف دلالت کند صورت‌های

گونگون می‌پذیرد.

آمدَم (اومام)

می‌آیم (مِئام)

خواهی آمد (ها بِنْای یا مِثْهَای بِنْای)

این کلمات هم معنی اصلی آمدن را دربردارند و از این جهت با هم مشترک هستند و هم

زمان و شخص در همه آن‌ها وجود دارد که سبب تمایزشان می‌شود. برای دلالت بر این

معنی‌های فرعی است که شکل کلمه در هر بار تغییر یافته است. صورت‌های گونگون فعل که

زمان یا شخص را در بر دارد «صیغه» یا «ساخت» فعل خوانده می‌شود.

«صیغه یا ساخت فعل صورتی از کلمه است که از روی آن شخص و زمان فعل را می‌توان

دریافت» (ناتل خانلری، ۲۲: ۱۳۹۲).

هرگاه بخواهیم ساختمان فعلی را بشناسیم باید معین کنیم که چه صیغه‌ای است. درباره

کلمه‌ی آمدَم «اومام» کافی نیست که بگوییم فعل است. زیرا که چندین کلمه دیگر مثل

«خواهد آمد» (مِثْهَا بِنْا) «آمده بودی» (اوماء بئی) و مانند آن‌ها نیز فعل است و در معنی آمدن

«اومائن، omaen» با کلمه آمدن تفاوتی ندارد.

فرق میان این کلمات وقتی آشکار می‌شود که «صیغه هر یک را بیان کنیم» مثلاً باید گفت:

آمدم = صیغه ماضی، اول شخص مفرد، از آمدن

أمام = صیغه ماضی، اول شخص مفرد، از اُمانن

هر فعلی در هر یک از زمان‌ها شش صیغه دارد که به سه شخص مفرد و سه شخص جمع

نسبت داده می‌شود.

باید بتوانیم از روی یکی از آن‌ها صیغه‌های دیگر را پیدا کنیم.

در مثال‌های زیر به دلیل وضوح بیشتر مطلب، هم به صورت فعل در زبان لری و هم معادل

آن در زبان فارسی می‌پردازیم که بیانگر تبعیت نمودن دستور لری از دستور زبان فارسی در

این مطلب می‌باشد.

فعل گرفتن

گرفتم (اول شخص مفرد) گرفتیم (اول شخص جمع)

گرفتی (دوم شخص مفرد) گرفتید (دوم شخص جمع)

گرفت (سوم شخص مفرد) گرفتند (سوم شخص جمع)

فعل گِرتِن

گِرتِم (اول شخص مفرد) « geretem » گِرتِیم (اول شخص جمع) « gereteem »

گِرتِی (دوم شخص مفرد) « gereti » گِرتِید (دوم شخص جمع) « gereteet »

گِرتِ (سوم شخص مفرد) « geret » گِرتِین (سوم شخص جمع) « gereten »

فعل: ماده – شناسه

اگر در صیغه‌های مختلف یک فعل دقت کنیم می‌بینیم که در همه‌ی آن‌ها یک قسمت

هست که هیچگاه تغییر نمی‌کند و قسمت دیگری هست که تغییر می‌پذیرد و در هر صیغه به

صورتی در می‌آید.

مثلاً در این شش صیغه در فعل نشستن و معادل آن در لری «نِشِسِن»

نشستم، نشستی، نشست، نشستیم، نشستید، نشستند

نِشِسِیم، نِشِسِی، نِشِسِ، نِشِسِیم، نِشِسِیت، نِشِسِن

در هر شش صورت فوق جزء «نشست» یا معادل لری آن «نِشِس» nešes ثابت است. اما جزء

دیگر هر بار صورت تازه‌ای یافته است.

در زیر شناسه در زبان فارسی و لری شرح داده می شود.

در زبان فارسی شناسه‌ها عبارتند از: ام، ای، سوم شخص مفرد چیزی به جزء ثابت افزوده

نشده است، یم، ید، ند.

رفتم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند.

شناسه در گویش لری: ام، ای، سوم شخص مفرد چیزی به خود ثابت افزوده نشده است،

ئِم، ئِید، ن.

رتَم، رتی، رت، رتِم، رتِید، رتن.

همانگونه ملاحظه گردید شناسه‌ها به فارسی و لری با اندک تغییری در تلفظ، یکی

می باشند و از یک قاعده کلی پیروی می نمایند. به این صورت:

۱- در فارسی اول شخص مفرد ام « am » تلفظ می شود ولی در لری ام « em » تلفظ

می شود.

۲- در فارسی در صیغه‌های جمع اول شخص ایم « Im » دوم شخص اید « Id » و سوم

شخص اند « and » ولی در صیغه‌های جمع لری اول شخص جمع ئِم « em » به صورت مصوت

کوتاه، دوم شخص ئِید « ed » و سوم شخص ن « en » می باشد.

در فعلی که ذکر شد همیشه جزء " نشست " یا « نشس » nešes یکسان بوده و در همه

صیغه‌ها ثابت است. این جزء ثابت ماده فعل نام دارد و جزء دیگر که در هر صیغه تغییر می کند

و به صورتی دیگر در می آید و از روی آن شخص و عدد (مفرد یا جمع) دریافته می شود

« شناسه » نام دارد.

فعل: ماده ماضی - ماده مضارع

گفتیم که ماده فعل، جزئی از آن است که در همه صیغه‌ها یکسان می ماند و تغییر نمی پذیرد.

اکنون می گوئیم که در زبان فارسی و به تبعیت از آن لری هر فعل دو ماده مختلف دارد و با هر

یک از این دو ماده یک دسته از صیغه‌های فعل ساخته می شود.

برای مثال فعل « رفتن » « رَتِن » « raten » را در نظر می گیریم. برخی از صیغه‌هایی را که از این

فعل ساخته می شود از این قرار است.

رفتم ← رَتِم « ratem »

« ratema »	رَتمه	←	رفته‌ام
« rata buem »	رَته بوم	←	رفته باشم
« rata blm »	رَته بیم	←	رفته بودم
« merem »	مِرم	←	می‌روم
« remo »	رمو	←	برویم
« ro »	رو	←	برو

چنانکه می‌بینیم این صیغه‌ها به دو دسته تقسیم شده‌اند. در دسته اول جزئی که ثابت است و تغییر نمی‌کند «رفت» و «رت» است و دسته‌ی دوم «رو». اما صیغه‌های دسته اول که جزء ثابتشان رفت و رت «rat» بر زمان گذشته دلالت می‌کند و صیغه‌های دسته دوم که رو است زمان‌های حال و آینده را می‌سازند. پس ماده صیغه‌های دسته نخستین را «ماده ماضی» و ماده صیغه‌های دسته دوم را «ماده مضارع» می‌نامیم.

چنانکه ملاحظه شد فعل در زبان لری هم مانند زبان فارسی دو ماده دارد. یکی ماده ماضی و دیگری ماده مضارع. همه صیغه‌هایی که بر زمان گذشته دلالت می‌کند از ماده ماضی ساخته می‌شود و صیغه‌هایی که معنی حال و آینده از آن‌ها برمی‌آید از ماده مضارع مشتق است. هر صیغه فعل که بر شخص و زمان معینی دلالت می‌کند از ترکیب یکی از دو ماده فعل با جزء تغییرپذیر یعنی «شناسه» ساخته می‌شود.

اجزایی که در اول فعل‌های فارسی می‌آید دو تاست: یکی «می» و دیگری «ب».

می‌روم: یک جزء پیش «می» + ماده فعل رو + یک شناسه م

اجزایی که در اول فعل‌های لری می‌آید «می» و «ب» می‌باشند.

مانند: «merem» جزء پیشین می + ماده فعل رو + شناسه م

وجوه فعل: (اخباری و التزامی)

بعضی از صیغه‌های فعل وقتی به کار می‌روند که می‌خواهیم خبری بدهیم یعنی انجام گرفتن کاری یا وجود حالتی را در گذشته یا اکنون یا آینده بیان می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم:

پدر به خانه آمد ← «وما» «oma»

من کتاب می‌خوانم ← «مُهوتم» «mohonem»

فردا تعطیل است ← یا همان است

در همه این صیغه‌ها به واقع شدن فعل یا وجود حالت و صفت اشاره داریم. این گونه صیغه‌ها از «وجه اخباری» فعل است. اخبار یعنی خبر دادن

اما در بعضی صیغه‌های دیگر از واقع شدن کاری یا وجود حالتی در کسی یا چیزی خبر نمی‌دهیم بلکه کاری را که باید انجام بگیرد یا ممکن است انجام گرفته باشد یا می‌خواهیم که انجام بگیرد بیان می‌کنیم در این موارد وقوع فعل یا وجود حالت و صفت مورد نظر نیست.

باید رفته باشم ← باید رته بوئم

مبادا بروی ← مبادا رویی

خوب است برود ← خوه روه

وقوع این صیغه‌ها همیشه همراه و وابسته به وقوع یک فعل دیگر است به این سبب آن‌ها را التزامی می‌گویند. التزام یعنی وابسته بودن.

وجوه فعل (امری - شرطی)

در بعضی صیغه‌های فعل فرمانی می‌دهیم یعنی به کسی می‌گوییم که کاری انجام دهد یا حالتی را بپذیرد.

رو اتاق و کتاو منه بئار = به اتاق برو و کتاب من را بیاور.

نکته: در بعضی از مثال‌ها (ترجمه فارسی به لری) جای فعل پس و پیش می‌شود و ترتیب اجزای جمله با هم متفاوت است که در این خصوص باید گفت این جابجایی فقط به خاطر شکل محاوره‌ای ادای جمله است و گرنه می‌توان جمله را با همان ترتیب که در فارسی ادا شده است آورد.

این قلم‌ها را بشمارید ای قلمیانه بشمارت

کتابتان را بخوانید کتاوتونه بھونیت

این گونه فعل‌ها از وجه امری است

گاهی واقع شدن فعل به شرط انجام گرفتن فعل دیگر است یعنی اگر یکی انجام نگیرد آن دیگری هم روی نخواهد داد.

اگر درس بخوانی دانشمند می‌شوی ← اگر درس بھونی دانشمند مویی.

بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی ولری (ساختار فعل ماضی) ۲۰۱۱۱۱

یعنی شرط دانشمند شدن درس خواندن است اگر این شرط حاصل نشود فعل اول هم انجام نمی گیرد. این گونه صیغه‌ها از «وجه شرطی» است.

فعل (زمان‌های گذشته)

ماضی مطلق (ماضی ساده)

حسن دیروز رت مدرسه «rat» حسن دیروز به مدرسه رفت

حسن هر روز مِثرت مدرسه «merat» حسن هر روز به مدرسه می‌رفت

وقتی تو آمای حسن رته بی مدرسه «rata bī» وقتی تو آمدی حسن به مدرسه رفته بود

حسن باید رتّه بُوه مدرسه. «būa» حسن باید به مدرسه رفته باشد

همه صیغه‌هایی که در این جمله‌ها آمده است از فعل رفتن است. همه ی آنها هم از انجام گرفتن کاری در زمان گذشته خبر می‌دهند؛ با این حال معنی جمله‌ها با هم فرق دارد. با کلمه رفت «رت» بیان می‌کنیم که عمل رفتن یک بار در گذشته انجام گرفته و تمام شده است. این گونه صیغه‌ها را ماضی مطلق یا ماضی ساده می‌خوانیم و صرف آن در فارسی ولری بر اساس یک قاعده است به شرح ذیل:

ماضی مطلق در زبان فارسی: بن ماضی + شناسه (م، ی، شناسه ندارد، یم، ید، ند)

مثال: رفتیم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند

ماضی مطلق در زبان ولری: بن ماضی + شناسه (م، ی، فاقد شناسه، یم، ید، ند، ن)

رتم، رتی، رت، رتیم، رتید، رتین
ratem, rati, rat, ratem, rated, raten

ماضی مطلق معمولاً در موارد زیر به کار می‌رود:

۱- بیان وقوع فعل در زمان گذشته به طور مطلق، یعنی بدون استمرار و تکرار و بدون توجه به نزدیکی و دوری زمان آن نسبت به زمان حال و بی آن‌که به مفهوم‌هایی چون آرزو و تردید و جز آن‌ها وابسته باشد، مانند: دیروز همسایه دیدیم. دیروز همسایه را دیدم

۲- بیان وقوع فعل در زمان حال

مانند: مه رتم. من رفتم (در حالی که گوینده هنوز نرفته و می‌خواهد برود)

۳- بیان وقوع فعل در زمان آینده که معمولاً همراه شرط و امثال آن است:

نیومای؟ مه رتم. نیامدی؟ من رفتم (یعنی اگر نیایی من خواهم رفت)

۴- به جای ماضی استمراری در فعل‌های «بودن» و «داشتن»

مانند: مدت‌ها بی که هونه نرتَه بیم (مدت‌ها بود که خانه نرفته بودم) یعنی مدت‌ها می‌گذشت که خانه نرفته بودم.

هر روز سر درد داشتیم. هر روز سر درد داشتیم. یعنی هر روز سرم درد می‌کرد.

۵- در فعل ماضی ملموس از مصدر «داشتن» به عنوان فعل معین. داشتیم مِثَرْتِم (داشتیم

می‌رفتم)

۶- در فعل ماضی بعید از مصدر «بودن» به عنوان فعل معین.

رتَه بیم، رتَه بیی ... رفته بودم، رفته بودی ...

ماضی نقلی

در جمله حسن رتَه مدرسه. «rata» حسن به مدرسه رفته است.

گفتگو از فعلی است که در گذشته واقع شده اما اثر یا نتیجه آن، زمان حال نیز باقی است.

(ناتل خانلری ۳۴: ۱۳۹۲)

حسن رتَه مدرسه (حسن به مدرسه رفته است) و هنوز آن جاست این گونه صیغه‌ها ماضی

نقلی خوانده می‌شود.

طریقه ساختن فعل ماضی نقلی در فارسی به شرح ذیل می‌باشد:

صفت معمولی + (ام - ای - است - ایم - اید - اند)

رفته‌ام، رفته‌ای، رفته است، رفته‌ایم، رفته‌اید، رفته‌اند.

طریقه ساختن فعل ماضی نقلی در زبان لری به شرح ذیل می‌باشد:

ماضی نقلی در لری = بن ماضی + شناسه + ه. یعنی ماضی مطلق + ه

مثال: ماضی نقلی از مصدر رتنِ raten (رفتن) رتَمِه، رتیه، رته، رتَمِه، رتیتِه، رتِنِه

ratema, ratia, rata, ratima, ratita, ratena

ماضی نقلی در موارد زیر به کار می‌رود:

۱- بیان فعلی که در زمان گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد یا اثر و نتیجه آن تا حال

باقی است.

مثال: علی رته مدرسه (علی به مدرسه رفته است) رفتن در گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد.

۲- بیان فعلی که واقع نشده (حالت منفی) ولی انتظار واقع شدنش می‌رود.

علی هنی دِ مسافرت ورنگشته (علی هنوز از مسافرت برنگشته) (امروزها باید برگردد)

۳- به جای ماضی التزامی

گویا جائی هَمِمه که ای کتاوه و او نسبت دَنه. گویا جایی خوانده‌ام که این کتاب را به او نسبت داده‌اند.

یعنی خوانده باشم.

۴- بیان فعلی که گوینده به هنگام وقوع غایب بوده باشد.

دیروز فهمیدم که او ای کار کرده. (دیروز فهمیدم که او این کار را کرده است)

۶- در فعل ماضی ملموس نقلی از مصدر "داشتن" به عنوان فعل معین.

داشته مِثَرْتَه داشته می‌رفته است

ماضی استمراری

در فعل مِثَرْت «می‌رفت» فعلی بیان می‌شود که در زمان گذشته انجام گرفته اما وقوع آن مدتی دوام داشته یا تکرار شده است. در این صیغه لحظه‌ی تمام شدن فعل معین نیست. این صیغه را «ماضی استمراری» می‌خوانیم.

ساخت ماضی استمراری در زبان فارسی: می + ماضی ساده. مانند:

می‌رفتم، می‌رفتی، می‌رفت، می‌رفتیم، می‌رفتید، می‌رفتند

ساخت فعل ماضی استمراری در لری: می + ماضی ساده. مانند: مِثَرْتَم، مِثَرْتِی، مِثَرْتِی، مِثَرْتِی، مِثَرْتِی، مِثَرْتِی

مِثَرْتِی، مِثَرْتِی، مِثَرْتِی

«در فارسی دری این صیغه به کمک جزء صرفی همی بیان می‌شود و این جزء در فارسی میانه هم در همین مورد به کار می‌رفته است» (خانلری: ۱۳۸۲، ۸۵).

جزء همی در لری جدید کاربردی ندارد و در گذشته صورت مکتوب آن وجود ندارد بنابراین کاربرد آن در لری بدون سند است.

ماضی استمراری معمولاً در موارد زیر به کار می‌رود:

۱- بیان فعلی که وقوع آن در زمان گذشته ادامه داشته است:

افتاو بالا مِثوما "meoma" و زمینِ روشِه مِثکرد. "mekerd" خورشید بالا می‌آمد و زمین را

روشن می‌کرد.

۲- بیان عادت در گذشته

برارم سال‌ها سیگار مِثکشی ولی آخر ترک کرد. "mekāšī" برادرم سال‌ها سیگار

می کشید ولی آخر ترک کرد.

۳- بیان فعلی که در زمان گذشته چند بار تکرار شده است.

مه هر روز چن بار شنا مئکردم «mekerdem». من هر روز چند بار شنا می کردم.

۴- بیان فعلی که در زمان وقوع آن، فعل دیگر نیز واقع شده باشد.

تمرینا دستور مئنوشتم که صدا در زین شنفتم. (meneveštem). تمرین های دستور را می نوشتم که صدای در زدن را شنیدم.

۵- به جای مضارع التزامی

کاش دواره شمانه مئیم. «meiem» (کاش دواره شمانه بینم) «beinem»

کاش دوباره شما را می دیدم (کاش دوباره شما را ببینم)

۶- در مفهوم التزام و برای بیان آرزو و یا شرط و جز آن.

دیروز سئ دینه مسابقه فوتبال رتم کاش تو هم مئومای. «meomai»

دیروز برای تماشای مسابقه فوتبال رفتم کاش تو هم می آمدی.

ماضی نقلی مستمر

در فارسی با افزودن جزء پیشین می بر سر ماضی نقلی و در لری با افزودن جزء پیشین می «me» بر سر ماضی نقلی، ماضی نقلی مستمر ساخته می شود. اگر وقوع فعلی که با ماضی نقلی بیان می شود در گذشته همراه با استمرار و تکرار بوده باشد آن را ماضی نقلی مستمر بیان می کنند.

جزء پیشین می + ماضی نقلی ← ماضی نقلی مستمر. مانند: می رفته ام

می رفته ام، می رفته ای، می رفته است، می رفته ایم، می رفته اید، می رفته اند.

در لری: جزء پیشین می «me» + ماضی نقلی = ماضی نقلی مستمر. مانند: مئرتمه «meratema»

مئرتمه، مئرتیه، مئرته، مئرتمه، مئرتته، مئرتنه

ماضی بعید

در جمله های:

«وقتی تو اُمای حسن رته بی مدرسه» «وقتی که تو آمدی حسن به مدرسه رفته بود»

از فعلی خبر می دهیم که پیش از واقع شدن فعل گذشته دیگر انجام گرفته است.

می خواهیم بگوئیم رفتن حسن به مدرسه پیش از زمانی واقع شد که تو آمدی. این صیغه ماضی بعید خوانده می شود.

ناهار هرده بیم که مجید وارد بی. ناهار خورده بودم که مجید وارد شد.

بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی ولری (ساختار فعل ماضی) ۲۰۵۱۱۱

ساخت ماضی بعید در فارسی: صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + ماضی مطلق فعل معین بودن (بودم، بودی و...)

رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند.

ساخت ماضی بعید در لری: صفت مفعولی + ماضی مطلق فعل معین بین (بیئیم، بیئی، بی، بیئیم، بیئت، بیئن)

مثال: رته بیئیم، رته بیئی..

"rata bīem, rata bīēī, rata bī, rata bīēīm, rata bīēit, rata bīēn"

جدول ۴-۱: صرف فعل ماضی بعید در زبان لری

ماضی بعید	ماضی مطلق بودن	صفت معمولی		شخص
		نشانه صفت معمولی	بن ماضی	
نشسه بیئیم	بیئیم	ه	نشس	اول شخص مفرد
نشسه بیئی	بیئی	ه	نشس	دوم شخص مفرد
نشسه بی	بی	ه	نشس	سوم شخص مفرد
نشسه بیئیم	بیئیم	ه	نشس	اول شخص جمع
نشسه بیئت	بیئت	ه	نشس	دوم شخص جمع
نشسه بیئن	بیئن	ه	نشس	سوم شخص جمع

ماضی ابعد

ساخت ماضی ابعد در زبان فارسی: ماضی ابعد از صفت معمولی + ماضی نقلی فعل معین «بودن» ساخته می شود.

مانند: رفته بوده‌ام، رفته بوده‌ای و ...

ساخت ماضی ابعد در زبان لری: ماضی ابعد از صفت معمولی + ماضی نقلی فعل معین «بین» ساخته می شود.

رته بیئمه، رته بیئیه و...

- ماضی ابعد برای بیان وقوع فعلی به کار می رود که در گذشته دورتر روی داده و به طریق نقل حکایت گفته می شود و در جمله می توان آن را به قرینه حذف نمود.
ای کتاو علی و مه دئه بیه. این کتاب را علی به من داده بوده است.

جدول ۴-۲: صرف فعل ماضی ابعده در زبان لری

ماضی ابعده	ماضی نقلی بیین	صفت معمولی		شخص
		نشانه صفت معمولی	بن ماضی	
دِهه بیئمه	bīema	ه	دئ	اول شخص مفرد
دِهه بیئیه	bīēā	ه	دئ	دوم شخص مفرد
دِهه بیه	bīa	ه	دئ	سوم شخص مفرد
دِهه بیئمه	bīēma	ه	دئ	اول شخص جمع
دِهه بیئیه	bīēta	ه	دئ	دوم شخص جمع
دِهه بیئیه	bīēna	ه	دئ	سوم شخص جمع

ماضی التزامی

در جمله

حسن باید رته بوه مدرسه. حسن باید به مدرسه رفته باشد

از فعلی خبر می دهیم که واقع شدن آن در زمان گذشته لازم بوده است، اما یقین نیست که انجام گرفته باشد. این گونه صیغه‌ها «ماضی التزامی» نامیده می شود.

ساخت ماضی التزامی در زبان فارسی = صفت مفعولی + مضارع ساده «باشیدن» مانند: رفته باشد.

ساخت ماضی التزامی در زبان لری = صفت مفعولی + مضارع ساده «بوئن» būen

جدول ۴-۳: صرف فعل ماضی التزامی در زبان لری

ماضی التزامی	مضارع ساده بوئن	صفت معمولی		شخص
		نشانه صفت معمولی	بن ماضی	
گرتِه بوئم	būem	ه	گرت	اول شخص مفرد
گرتِه بوئی	būi	ه	گرت	دوم شخص مفرد
گرتِه بوئه	būa	ه	گرت	سوم شخص مفرد
گرتِه بوئم	būim	ه	گرت	اول شخص جمع
گرتِه بوئت	būet	ه	گرت	دوم شخص جمع
گرتِه بوئن	būen	ه	گرت	سوم شخص جمع

ماضی التزامی معمولاً در موارد زیر به کار می‌رود:

۱- بیان فعلی که همراه با شک و تردید است:

احتمال داره تا حالا علی دِ مسافرتِ ورگشته بوئه. احتمال دارد تا حالا علی از مسافرت برگشته باشد.

۲- بیان فعلی که همراه با آرزو بر زبان آید.

ای کاش علی اُمائِه بوئه. ای کاش علی آمده باشد.

۳- بیان فعلی که همراه شرط است.

اگر کسی و احمد اطلاع دِه بوئه مِنا. اگر کسی به احمد اطلاع داده باشد می‌آید.

۴- بیان فعلی که همراه با تشبیه است:

برف ری درخت نشسه، درخت مری آئمه که کلاوه اسبی و سر داشته بوئه.

برف روی درخت نشسته، درخت مثل آدمی است که کلاهی سفید بر سر داشته باشد.

۵- بیان فعل بعد از ترکیبات «جزاینکه»، «مگر اینکه»، «غیر از اینکه» و مانند آن‌ها:

کسی و او چپی نگتِه مگر شما گتِه بوئی. کسی به او چیزی نگفته مگر شما گفته باشید.

۶- در جمله پیرو به جای مضارع التزامی به کار می‌رود:

اُمائِم وای خاطر بی که شمانه دیه بوئِم. آمدنم به این خاطر بود که شما را دیده باشم.

نکته: هرگاه دو یا چند ماضی التزامی به دنبال هم بیایند می‌توان فعل معین را در آخرین

ماضی آورد و به قرینه آن، از بقیه جمله‌ها حذف کرد.

شاید تا حالا معلم رته کلاس و درس شروع کرده بوئه. شاید تا حالا معلم کلاس رفته و

درس را شروع کرده باشد.

ماضی ملموس

ماضی ملموس که آن را ماضی ناتمام نیز می‌گویند از ماضی استمراری فعل اصلی همراه با

ماضی مطلق فعل معین «داشتن» «داشتن» *dašten* ساخته می‌شود. در ماضی ملموس فعل معین

قبل از فعل اصلی می‌آید و هر دو یعنی هم فعل معین و هم فعل اصلی صرف می‌شوند.

مانند: داشتم می‌رفتم *daštem meratem* داشتم می‌رفتم

روش ساخت ماضی مطلق در زبان لری و فارسی به یک صورت می‌باشد.

جدول ۴-۴: صرف فعل ماضی ملموس در زبان لری

ماضی ملموس	ماضی استمراری فعل اصلی	ماضی مطلق فعل		شخص
		معین داشتن <i>dašten</i>		
داشتم <i>میگتم</i>	<i>megotem</i> <i>میگتم</i>	<i>daštem</i>	داشتم	اول شخص مفرد
داشستی <i>میگتی</i>	<i>megoti</i> <i>میگتی</i>	<i>dašti</i>	داشستی	دوم شخص مفرد
داشت <i>میگت</i>	<i>megot</i> <i>میگت</i>	<i>Dašt</i>	داشت	سوم شخص مفرد
داشتم <i>میگتم</i>	<i>megotim</i> <i>میگتم</i>	<i>daštım</i>	داشتم	اول شخص جمع
داشتم <i>میگتد</i>	<i>megotit</i> <i>میگتد</i>	<i>daštıt</i>	داشتم	دوم شخص جمع
داشتم <i>میگتن</i>	<i>megoten</i> <i>میگتن</i>	<i>dašten</i>	داشتم	سوم شخص جمع

نکته: ماضی ملموس، فعل را در حال اتفاق افتادن یا نزدیک به اتفاق افتادن در گذشته نشان می‌دهد:

داشتم *میگتم* مدرسه که حسن *دیدم*. داشتم *میگتم* به مدرسه که حسن را *دیدم*.

ماضی ملموس نقلی

ماضی ملموس نقلی از ماضی نقلی «داشتم» *dašten* و ماضی نقلی مستمر فعل اصلی ساخته می‌شود. این ساخت، فعل را در حال اتفاق افتادن یا نزدیک به اتفاق افتادن و به طریقه نقلی مستمر بیان می‌کند.

وایه نفر *دیدم* هم کلاس *داشتم* *میگتم* مدرسه که ماشین *زیرش* *میره*.
با یک نفر از هم کلاس *داشتم* *میگتم* *میگتم* که ماشین *زیرش* *میگرم*

نتیجه‌گیری

زبان لری از لحاظ ساختار فعل تابع دستور زبان فارسی بوده و در کلیه قواعد از جمله ساختمان فعل، وجوه فعل، زمان، شخص، معلوم و مجهول، لازم و متعدی، تام و ربطی/کامل ناقص از آن تبعیت می‌نماید. آنچه مسلم است واژگان کنونی زبان لری به موازات زبان فارسی جدید، ریشه در زبان فارسی باستان و فارسی میانه داشته و برخی از واژه‌های لری با اندک تغییر جزئی و یا بدون تغییر همان واژگان زبان‌های فارسی باستان و میانه است ولیکن چون این زبان جنبه گفتاری و گویشی داشته در دوره‌های پیش گفته اثری مکتوب از آن بر جای نمانده است و تنها گواه شباهت آن با زبان فارسی، بررسی‌های واژگانی و دستور زبانی است.

بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی ولری (ساختار فعل ماضی) ۲۰۹۱۱۱

در بررسی تطبیقی دستور زبان فارسی و لری مشاهده گردید که ساختار فعل - به عنوان یکی از مهمترین اجزای تشکیل دهنده هر زبان - در زبان لری تابع دستور زبان فارسی می باشد. اگرچه صرفاً بر اساس این یافته‌ها نمی توان لری را گویشی از زبان فارسی دانست براین اساس پژوهشگران علاقه مند در این حوزه می توانند به بررسی تطبیقی سایر اقسام کلمه پرداخته و این مقایسه را از منظرها و جنبه‌های گوناگون دستور زبان بررسی نمایند.

منابع

- امان اللهی، اسکندر، (۱۳۷۰)، قوم لُر، آگاه، چ اول، تهران.
- احمد گیوی. حسن وانوری. حسن (۱۳۷۴ش) دستور زبان فارسی ۱، فاطمی، چ بیستم، تهران.
- خانلری، پرویز، (۱۳۴۷ش)، زبان شناسی و زبان فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، چ سوم، تهران.
- فتحی، آذر، ۱۳۸۰، راهنمای گردآوری گویشها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.

